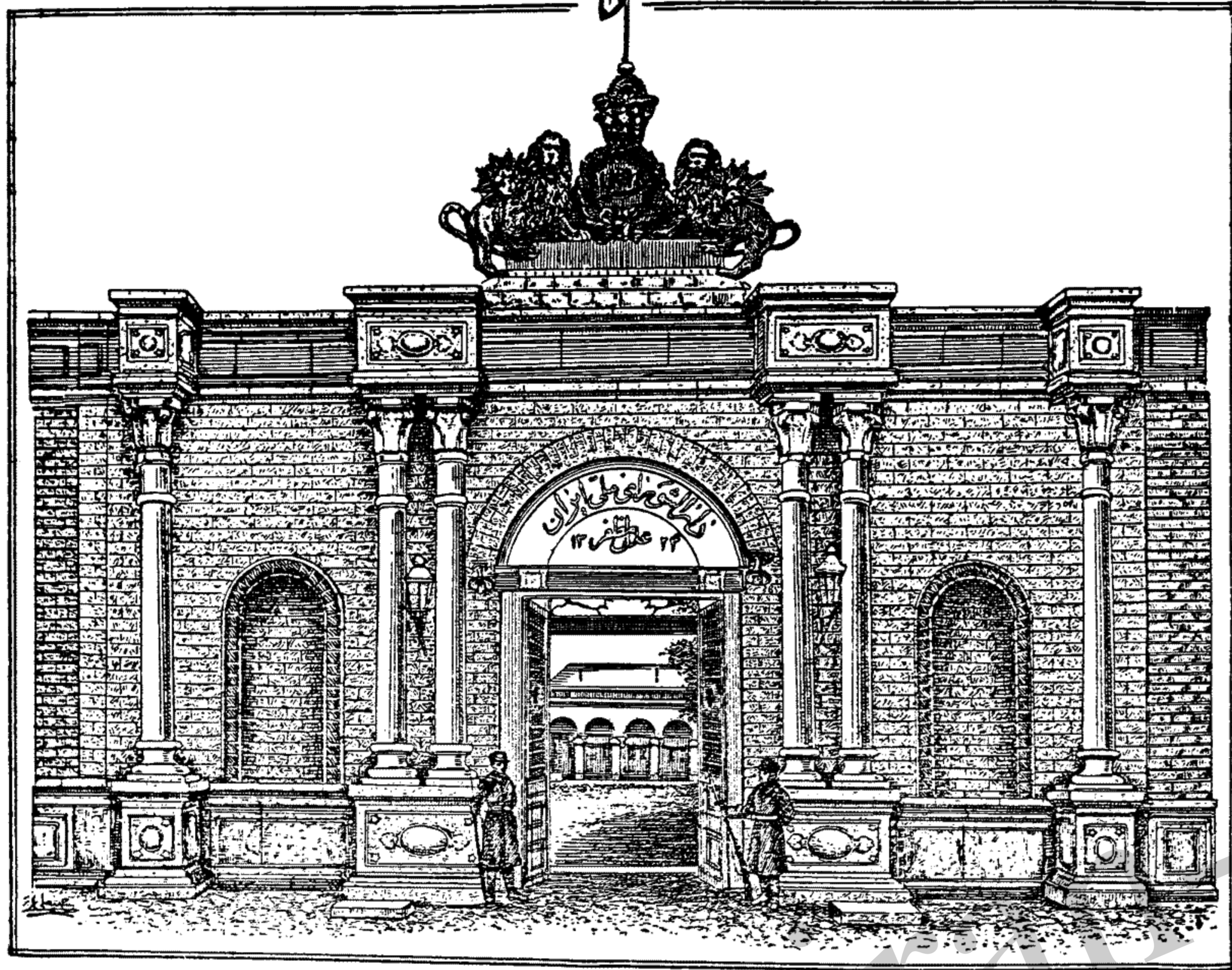


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۷۰</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۳۵</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۲۰ آبان ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۷ جادی الاولی ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مضعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخه ایران سالیانه ده تومان خارجہ « دوازده تومان قیمه نك شماره يك قران</p>



# مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس سه شنبه ۳۰ آبان ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۷ جمادی الاول ۱۳۴۶

جلسه ۱۷۰

( مجلس دو ساعت قبل از ظهر برپاست آقای پیرایه  
تشکیل گردید )  
آقایان : امیر حسینخان ایلخانی - مرضی قلیخان بیات  
حاج میرزا حبیب الله امین - امام جمعه شیراز - دشتی  
دادگر - میرزا محمدتقی طباطبائی - مخبر فرهمند - ملک آرائی  
( صورت مجلس یوم یکشنبہ را آقای فی سانیان  
قرئت نمودند )

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تصویب مرخصی آقایان آقاسید محمدتقی طباطبائی - تکهبان	۲۷۵۲	۲۷۵۴
۲	تعقیب مذاکرات نسبت به نتیجه انتخاب کمیسیونهای منتخبه از مجلس	۲۷۵۴	۲۷۵۸
۳	مذاکرات نسبت بنجر کمیسیون بودجه راجع باعتبار بلدیہ طهران و واگذاری عوائد مستغلات به بلدیہ ها	۲۷۵۸	۲۷۶۸
۴	قانون اعتبار بلدیہ طهران و واگذاری عوائد مستغلات به بلد ها	۲۷۶۹	

غائبین بی اجازه جلسه قبل  
آقایان: دکتر سنگ - شیروانی - محمد ولی خان  
اسدی - اعظمی - نظام مافی - آقا علی زارع - افسر  
حاج حسن آقا ملک - جوانشیر - میرزا حسنخان وثوق  
حاج غلامحسین ملک

در آمدگان بی اجازه جلسه قبل  
آقایان: حاج آقا رضا رفیع - حاج شیخ بیات  
در آمدگان بی اجازه جلسه قبل  
آقایان: شریعت زاده - مهدوی - دکتر مصدق -  
جهانشاهی - بجی خان زنگنه  
رئیس - صورت مجلس ایرادی ندارد؟

(گفته شد خیر)  
رئیس - صورت مجلس تصویب شد  
وزیر مالیه - بنده میخواستم تقاضا کنم اگر آقایان  
موافقت بفرمایند خبر کمیسیون بودجه راجع بودجه بلدی که  
طبع و توزیع شده جزء دستور شود.

رئیس - پیشنهادی هم در این باب رسیده است.  
مخالفي ندارد؟  
(گفته شد خیر)

زوار - بنده پیشنهادی کرده ام  
(پیشنهاد بشرح ذیل قرائت شد)  
پیشنهاد میکنم خبر کمیسیون بودجه راجع به دود و آلودگی  
در درجه اول دستور باشد.

یکنفر از نمایندگان - خبرش رسیده است  
زوار - اگر خبرش رسیده باشد نموده توضیحاتش  
را عرض کنم و الا خیر  
رئیس - آقای زوار

زوار - توضیح مفصلی لازم ندارد آقایان نمایندگان  
محترم از حال مستخدمین ادارات خبر دارند که یکماه  
است حقوق نگرفته اند و تصور میکنم که تقدیرها هم  
وقتی لازم نداشته باشد بنا بر این بنده پیشنهاد کرده ام که

در درجه اول واقع شود آنوقت بنده هم با اینکه لایحه راجع  
بلدی به بعد از این مطرح شود مخالفتی ندارم  
رئیس - معلوم میشود هنوز خبرش رسیده است آقای  
دادگر

دادگر - بنده در دستور عرض دارم  
رئیس - بفرمائید  
دادگر - عرض کنم يك کار هائی است که در مجلس  
باید جریان پیدا کند و بنده مخالف نیستم که آن لایحه  
هم که آقا فرمودند جزو دستور امروز باشد ولی کار هائی  
که باید در مجلس جریان پیدا کنند فعلاً برای این کار  
وسيلة که موجود است کمیسیون بودجه است و فعلاً  
انتخاب کمیسیونها تمام نشده ...

بعضی از نمایندگان - تمام شده  
دادگر - او فرض کرده گفته شود تمام شده برای  
اینکه يك منتهايي برسد این هم یکی از مراحل انتظار  
ما است بر فرض که گفته شود مجلس تشخیص داده  
است که تمام شده ولی جماعتی عقیده دارند که تمام نشده  
و هیئت رئیسه آنها هم معین نشده است بنده تقاضا  
میکم از مقام منبع ریاست که بدوا تکلیف کمیسیونها  
را بی نحو کن معین کنند و روشن بفرمایند بعد در  
کار های دیگر وارد شویم بزی اینکه در ختمه مجلس ما  
باید کار کنیم و لواره کار کردن نداریم.

رئیس - عجله دو فقره خبر کمیسیون مرخصی  
قرئت میشود بعد موضوع کمیسیونها مطرح میشود  
(خبر کمیسیون عرایض و مرخصی راجع به مرخصی  
آقای آقا سید محمد تقی طباطبائی بشرح ذیل خوانده شد)

آقای آقا سید محمد تقی طباطبائی نماینده محترم بروجرد  
بواسطه عارضه کسالت سه جلسه از ۲۰ مهر لغایت ۵ آبان  
۱۳۰۶ اجازه مرخصی خواسته کمیسیون عرایض تقاضای  
نمایند محترم را تصویب و خبر آن را تقدیم میدارد  
(مخبر کمیسیون حاج میرزا مرتضی)

رئیس - آقای احتشامزاده  
احتشامزاده - در این موضوع عرضی ندارم  
رئیس - آقای یاسائی  
یاسائی - موافقم  
رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده جداً با مرخصی ها مخالفم خصوصاً  
با استفاده از حقوق ...

حاج شیخ بیات - مریض است آقا عجب!!  
عراقی - (خطات به حاج شیخ بیات) جنابعالی چرا  
این قدر ناخوت میآورید؟  
فیروز آبادی - شما حق نداری نوبی حرف من حرف  
زنی هرج و مرج میخواری بکنی ... (زنك رئیس)  
رئیس - بگذرید حرفش را نزنند

فیروز آبادی - عرض میکنم اگر این آقا يك  
آقای دیگری وکیل نشده بود در زمان مریضیش  
مهی سبب تومانی از ملت میگرفت؟! حالا خیال کنید  
وکیل نشده همه روزها بعنوان کسالت بعنوان اینکه می  
خوایم برویم فلان جا مرخصی گرفته میشود. هر کس  
يك عنوان مهی سبب تومانی مال مردم را میخورد  
برای چه؟ خدا شاهد است همه شما هم مؤلید. اگر  
شما وکیل این ملت هستید مؤلید اگر وکیل نباشید  
خودتان میدانید. مال کی را میبخشید؟ مال مردم را  
بضرب سر تیزه و شلاق و کتک میگیرند آنوقت تقسیم  
میکند چیز غریبی است!! پس معلوم میشود غارتگری  
است پس همه غارتگرها هم دیگر را نگاه میدارند ...  
بعضی از نمایندگان - (همه) آقا چرا توهین  
میکنی.

(زنك رئیس)  
فیروز آبادی - چرا نمیگذارید حرف بزنم  
اعتبار - بنده عرض دارم اجازه میفرمائید؟  
رئیس - بفرمائید

اعتبار - آقای ثقة الاسلام مدنی است مریض هستند  
و تقاضای مرخصی که سابقاً شده بود نظرشان این بود  
که بهبودی خواهند یافت و بتوسط بنده تقاضا کردند  
که نا آخر آبان مرخصی ایشان تمدید شود و چون  
بنا بود خبر مرخصی ایشان بیاید تصویب شود بنده از  
آقای مخبر کمیسیون عرایض خواهش کرده اصلاح شود  
و در صورتیکه آقای مخبر کمیسیون محترم عرایض  
هم موافقت نکنند فقط قسمت نا آخر آبان اصلاح  
شود و این قسمتی را هم که آقای فیروز آبادی فرمودند  
بنده جواب عرض میکنم برای اینکه این قدر فرمایش  
ایشان بی موضوع بود که بنده لازم نمیدانم جواب عرض  
کنم. در قسمت مرخصی ایشان هم گمان میکنم تمام آبان  
تصدیق کنند که آقای ثقة الاسلام يك عضوی نیستند که  
برای تفریح مرخصی بگیرند. ایشان یکی از اعضای جدی  
این مجلس بوده اند و همه روزه هم در مجلس حاضر بوده اند  
و کسالت را هم هیچوقت بیش بدنی نمیکرده اند.

رئیس - اگر مرخصی نوبی لازم باشد میبرود کمیسیون  
و بعد می آید تصویب میشود. فعلاً رأی گرفته میشود  
بنفاد این خبر که سه جلسه است آقایانیکه تصویب  
میکنند قیام فرمایند  
(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد خبر دیگر  
(راپورت کمیسیون عرایض و مرخصی راجع به مرخصی  
آقای نگهبان بشرح ذیل قرائت شد)

آقای نگهبان نماینده محترم خوزستان تقاضای سه ماه  
مرخصی برای انجام مسافرتی که در پیش دارند از کمیسیون  
عرایض نموده و در تقاضا نامه خود اظهار داشته اند که  
از اول دوره ششم تا بحال تقاضای مرخصی نکرده اند  
کمیسیون پس از تحقیق و تصدیق صحت اظهارات نماینده  
محترم مرخصی سه ماهه نماینده محترم را تصویب و راپورت  
آن را تقدیم مینماید

(مخبر کمیسیون حاج میرزا مرتضی)

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم

رئیس - آقای باسائی

باسائی - موافقم

رئیس - آقای عراقی

عراقی - موافقم

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خواستم عرض کنم سه ماه را دو ماه کنند، سابقه را بهم زنند. سابقاً دو ماه مرخصی میدادند حالا کمسیون سه ماه کرده است ولی سابقاً اینطور بود حالا نمیدانم الحمدلله اکثریت دارید

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - آقایان وکلای محلی هستند و گرفتاریهای محلی هم ضوری است که بنده لازم نمیدانم اظهار کنم و آقایان وکلاء ولایات خودشان میدانند بعلاوه آقای آقا سید یعقوب هم مخالفتی نکردند که بنده توضیحاتی بدهم

رئیس - رأی گرفته میشود آقایانیکه مرخصی سه

ماهه آقای نگهبان را تصویب میکنند قیام فرمایند  
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. (خطاب به آقای شریعت زاده)

راجع به کمیسیونها فرمایشی دارید بفرمائید

شریعت زاده - در جلسه گذشته شرحی بنده و بعضی از آقایان نمایندگان محترم راجع به کمیسیونها عرض کردیم البته عقیده مخالف و موافق هم وجود داشت ولی بنده بطوریکه عرض کرده معتقد هستم که هیچ دلیلی بجا حق نمیدهد که مقهور احساساتی بشویم و منصوصات قانون اساسی و نظامنامه را تفسیر بخلاف کنیم (صحیح است) برطبق قانون اساسی و نظامنامه باید نصف اضافه یک از حاضر

نسبت به امری مثبت یا منفی اظهار عقیده بکنند. در روزی که کمیسیونها انتخاب میشد مطابق حساب دقیقی که شده عده خضار نود و هفت نفر بوده و چند نفر هم ممتنع بوده اند که اول حضرت آقای رئیس بوده اند که همیشه هم حاضر بوده اند ولی ممتنع بوده اند. حضرت آقای دکتر مصدق، آقای آیه الله زاده خراسانی، آقای حقنوبس، آقای امام جمعه اهلی، آقای صالحی این آقایان ممتنع بوده اند ولی امتناع موجب این نیست که ما بگوئیم این آقایان غائب بوده اند برای اینکه صورت حاضر و غائب حاضر است. در هر صورت عده خضار نود و هفت نفر بوده و آن شخص منتخب در کمیسیون است که نصف به اضافه یک از عده خضار نسبت به او اظهار رأی مثبت کرده باشند و بیش از این هم عرض نمیکنم و تصور میکنم که همه آقایان هم علاقه بوظیفه شناسی و اجراء اصول و احترام از مصنوعات قانونیه داشته باشند و گمان نمیکنم بیشتر از این هم توضیح ضرور باشد.

رئیس - آقای دادگر

دادگر - موافقم بعد از یک مخالف

رئیس - آقای مدرس

مدرس - بنده خیلی تأسف میخورم که بنا اینکه همیشه ما باید یک امور مهمه را اهمیت بدهیم برعکس یک اموری که طرفینش چندان اهمیت ندارد همه اجازه میخواهیم و درش حرف میزنیم. این یک مسئله بوده است که همیشه در ادوار سابقه مجلس تشخیص آقای رئیس و هیئت رئیسه بوده است و هر چه آقای رئیس شخصاً میفرمودند تردید نمیکردیم. رافع یکی بوده رافع یکی نبوده در هر صورت تردیدی نمیکردیم لان هم عقیده شخص بنده این است که مثل ادوار سابقه موکول کنیم بنظر شخص آقای رئیس و هیئت رئیسه. من شخصاً معتقدم که هر چه رأی دادند ولو بر ضرر من هم باشد بهتر است از اینکه بیست نفر جازه بخورند و درین موضوع

صحت بدارند و بالاخره نتیجه هم نگیرند بر فرض اینکه یکی وارد شود یا یکی خارج شود یا همه شان وارد یا خارج شوند اهمیتی ندارد. تشخیص آقای رئیس هر چه شد کافی السابق بعقیده بنده خوب است. این پیشنهاد من است حالا آقایان مختارند

رئیس - عرض کنم چون اینجا راجع به تفسیر نظامنامه است گویا هیئت رئیسه حق تفسیر نداشته باشد بعضی از نمایندگان - تشخیص است  
مدرس - اجازه میفرمائید؟

رئیس - آقای دادگر

دادگر - عرض کنم نظر حضرت آقای مدرس که ما باید امور مهمه را بر امور عادی ترجیح بدهیم قهری و طبیعی است ولی الان در مقابل ما امر مهمی است. آن نظر ثانوی آقای مدرس هم با یک صلاحی قبل تعقیب است این است که مطابق نظامنامه هیئت رئیسه میتوانند در مقدار عده اظهار نظر کنند یعنی بگویند عده حاضر در جلسه این قدر بود یا نبود. اما حالا کدامش مؤثر است آن مسئله دیگر است. اگر آقای رئیس مجلس شورای ملی قبول میفرمایند که در این قسمت هم اظهار نظر بفرمایند ما هم حرف نداریم. انتخاب آقای رئیس کاشف از این است که ما به ایشان اطمینان داریم انتخاب ایشان از دو نظر است یکی اینکه قوی هستند و دیگر اینکه قانون شناسند ما هیچوقت با نظر ایشان مخالف نیستیم ایشان اگر تشخیص بدهند و این مسئله را در حدود اختیارات خودشان بشناسند ما با آن نظر تمکین داریم. نهایت این است که موضوع بحث این بود که هیئت رئیسه میگوید در موقع شروع انتخاب هشتاد و یک یا هشتاد و دو نفر در مجلس بودند و همینطور در طی اجرای انتخابات تا آخر هشتاد و نه نفر و بقولی تا نود و هفت و صد نفر عده بالغ شد حالا موضوع بحث این است که آیا عده ابتدائی معتبر است یا انتهائی. حالا اگر آقای رئیس در این هم اظهار نظر میکنند ما هم رضا

میدهم رفقای بنده هم راضی هستند که شخص ایشان در این باب اظهار نظر کنند اما اگر ایشان نخواهند بگویند که از ابتدا این قدر بوده است و در انتهای این قدر و کدام یک را باید اکتساب کرد و از اظهار عقیده خود داری بفرمایند آنوقت ما نظرم آن است که موضوعی است که باید روی آن بحث کرد و نظر ما و رفقای ما این است که عده اخیر معتبر است برای اینکه مرجحات عقلانی هم خیلی دارد چون وقتی یک جمعیتی در یک کاری بخواهند دخالت کنند عده اکثر و زیاد بالاخره ذبح ترند از عده اقل ما در کارهای مجلس این مسئله عادت پیدا کردیم وقتی یک فرا کمیون تشکیل میشود البته صحیح است که نقطه شروع وقتی است که صلاحیت مذاکره داشته باشد ولی عده منتهی و رأی از طرف مجموع حاضرین معتبر است و دلیلی برای اینکه آنها را حذف کنیم موجود نیست . . . . .

آشتیانی - ولو اینکه ده نفرشان هم بیرون باشند

دادگر - میدانید بنده نظری ندارم. حضرتعالی می دانید بنده نمیخواهم اعمال عرض بکنم ما طرف حل مطلب میرویم و من از رفقای خودم استشهاد میکنم که ما تقسیم در باب هیئت رئیسه چون تقسیم برپا زده و در باب وزراء چون تقسیم بر هفت است دعوا معنی دارد ولی در باب کمیسیونها دعوی معنی ندارد چون تقسیم بر صد و بیست است و همه ماها باید در کار شرکت کنیم و نظرم آن را در باب کارهای ملکتی اجرا کنیم و نفقات هم بقدر اینکه کمیسیونها را به حد نصاب رسانند همه رفقا حاضر میشوند و در این باب تأسف ندارد نهایت رعایت یک اصلی است و این مسئله عمل مجلس را مشکل کرده که باید هشتاد و دو نفر در انتخاب کمیسیونها رأی بدهند تا تشکیل جائز باشد. این مسئله اکثریت را از بین برده ما نفهمیدیم آن اشکالی که علی رغم قانون اساسی بود چطور شد که آمد و جریان پیدا کرد این مسئله ما را با مشکل انداخته است علی ای حال مطلب

را خلاصه میکنم زیرا بنده شهوت به طول کلام ندارم اگر نظریه آقای مدرس را با آن تعبیری که بنده کردم هیئت رئیسه و بالاخص آقای رئیس قبول میکنند حرفی نداریم و همان پیشنهاد آقای مدرس را معتبر میدانیم ولی اگر آقای رئیس میخواهند سه آن تالوچی که خودشان بعد از نطق آقای مدرس فرمودند تکیه کنند و بگویند موضوع تفسیر است و من در تفسیر دخالت نمیکم آنوقت است که ما حد اکثر را معتبر میدانیم.

رئیس -- آقای زوار

زوار -- بنده به فرمایشات آقای دادگر موافقه

رئیس -- آقای کازرون

کازرون -- بنده خیلی متأسفم که بعد از فرمایشات متین و منطقی آقای دادگر بعنوان مخالفت اظهار عقیده میکنم اصولاً بنده این موضوع را یکی از مسائل مهمه میدانم و عقیده ام این است که این سابقه نباید گذاشته شود که راجع به انتخابات هم مورد عقیدت فلسفی و لوح محفوظی را بیائیم پیدا کنیم و عمل نمائیم. تصدیق بفرمائید که این وضعیت در جمیع ادوار بوده و در جمیع انتخابات پیدا شده اما چرا سابق هیچ ذکری از رئیس نمی شده و هیچ اختلافی هم پیدا نمی شده ؟ و همه هم نایب آن اعلان بوده اند که از مقام منبع ریاست اظهار میشده ولی بالعکس مخصوصاً در این دوره و راجع بکمسیون بن اختلاف و این تاجر و اینهمه اجازه خواستن و هیاهو پیدا شده چه شده است ؟ چه خبر است ؟ اصل مطلب بر همه ما معلوم است لفظ ومعنائی هم در بینش پیدا شده است و ما باید سعی کنیم و يك الفاظی پیدا کنیم که تا اندازه بوی آن معنای هم بدهد اما این رابطه حقیقی فیما بین لفظ و معنی وجود ندارد. اصلاح حقیقت مطلب این است در ابتدا که شروع انتخابات شده عده حاضر در این جا که حضورشان مدرک و منشأ است هشتاد و دو نفر بوده است ... بعضی از نمایندگان -- هشتاد و سه نفر

کازرون -- هشتاد و دو با هشتاد و سه هر چه بوده شروع شده با انتخابات و در همان حالی که جریان داشته يك عده میفرمودند رأی میدادند و بگفته هم از خارج وارد و ضمیمه میشدند و بالاخره خانم پیدا میکنند و هشتاد و هشت نفر هم رأی داده اند. حالا اگر بخواهید نظری به لوح محفوظ کرده باشم یعنی آن حقیقت لوح محفوظی را در نظر بگیریم باید گفت که باید تجدید انتخاب بشود بنا بر این ما باید تا آخر دوره در کشمکش تجدید انتخابات باشیم و این صلاح مملکت و مجلس نیست. بالاخره آقا بنشینید دور هم و يك تصمیمی بگیرید. فلان کس باشد باشد چه آری دارد وجود و عده وجود دیگری چه نتیجه دارد؟ بنده نمی فهمم و بعقیده بنده هیچ اهمیتی ندارد و خیلی هم بنده متأسفم که وقت عزیز مجلس که باید صرف اصلاح امور عمومی جامعه مملکت محرومه بران شود روی این تشاجرت شخصی کوچک کوچک صرف میکنند این است عقیده بنده

رئیس -- آقای زوار

زوار -- عرض کنم بنده که مثل نماینده محترم علم غیب ندارم نه عرض کنم موضوع بن اختلاف چیست ولی فرمایشات آقای دادگر روی دو موضوع بود یکی پیشنهاد آقای مدرس و یکی هم اجرای نظامنامه و قانون اساسی. بنو صف بن ز طرف رفتی خودشان (که بنده هم یکی از آنها هستم) حاضر شدند که اگر حضرت آقای رئیس قبول فرمودان و تشخیص دادند ما همه اطاعت کنیم و اگر ایشان حاضر نشدند تشخیص بدهند یعنی بن مسئله را مطابق نظامنامه و قانون اساسی وظیفه خودشان میدانند بنده عرض میکنم که هیچ داعی و ردعی نیست که اصل ماده نظامنامه را در این باب اجرا کنیم و بنده هیچ نظر خصوصی در این کار نمی بینم جز اجرای اصل ماده قانون اساسی و نظامنامه

رئیس -- آقای احتشام زاده

احتشام زاده -- بنده تعجب میکنم بعضی اوقات بعضی

از آقایان نمایندگان افراط و تفریط میکنند مثلاً بعضی اوقات می بینیم در مسائل خیلی جزئی که این قدرها رعایت یا عدم رعایتش اهمیت ندارد داد و فریاد و خود کشی میکنند ولی گاهی اوقات در يك مسائلی که مهم است و در قانون اساسی ما مصرح است و قانون متعارفی ما هم آن را تأیید و تفسیر کرده وقتی میگردند آقا مطابق قانون اساسی رفتار کنید اینطور لا ایلی و عسححه کاره بشوند بر طبق قانون اساسی حد نصب برای حرار اکثریت در انتخابات داخلی مجلس شورای ملی نصف بعلاوه يك حاضر است و هیچ قبل بحث و محل تردید نیست ولی موضوعی که ممکن است يك قدری نظری باشد این است که عده حاضر در مجلس برای انتخاب کمیسیونها چند نفر بوده است مطابق صورتی که آقایان مأمورین استخراج آراء داده اند عده انحصاری که در رأی شرکت کرده اند هشتاد و هشت نفر بوده اند و مطابق صورتی که از دفتر مجلس استخراج شده است نه نفر از آقایان هم متنع بوده اند یعنی در مجلس تشریف داشته اند ولی رأی نداده اند که جمعاً عده حاضر میشود نود و هفت نفر و بعقیده من تا وقتی که نصف بعلاوه يك نود و هفت نفر رأی ندهند آن رأی قابل اهمیت نیست و تشخیصی که در انتخاب کمیسیونها رئیس از نصف بعلاوه يك اودر هیئت یعنی چهل و نه رأی دارند عضو کمیسیونها خواهند بود و کسانی که بن عده رأی را ندارند نیستند و باید نسبت بانها تجدید رأی شود و بعقیده بنده بن قدرها بن قسمت نظری نیست و حالا اگر آقایان میدانند که حفظ اصول را کرده باشند و میل دارند در يك موقعی از نقطه نظر صالح شخصی نسبت به اصول لا ایلی باشند خودشان میدانند ولی بنده تصور میکنم که اکثریت مجلس شورای ملی نسبت بیک مسائلی که جزو اصل است لا ایلی باشد و البته حق دارند که بری حفظ اصول با فشاری کنند و همان طور که عرض کرده این مسئله در قانون اساسی مصرح است و قوانین عادی و متعارفی ما هم آن را تفسیر کرده

است و عمل مجلس شورای ملی هم همیشه این طور بوده که ملاک اکثریت نصف بعلاوه يك عده حاضر بوده است رئیس -- آقای زعیبه  
یک نفر از نمایندگان -- تشریف ندارند  
رئیس -- آقای مهبوبی  
مهبوبی -- همه آقایان مخالف و موافق صحبت میکنند از این گسه قوانین موضوعه مقدس است و باید چرا شود بن مطالب مسلم است و البته همه آقایان هم باید نظر دادن همین باشد ولی گاهی در تشخیص موضوع اختلاف پیدا میشود و باید تصدیق کرد که تشخیص موضوع و نظر مخالف و موافق مربوط بن نیست که ما اینجا همه بنده نظامنامه عمل کنیم. ماده نظامنامه را همانطور که همه مقدس میدانند باید آن را پیروی کنند. ماده نظامنامه میگوید اکثریت آراء حاضرین در مجلس متوجه هر کس شد او منتخب است ولی اختلافی در باب عده پیدا شد این اختلاف در باب عده همیشه تشخیص بر رئیس و هیئت رئیسه بوده است رئیس هر وقت تشخیص میداده است که عده کافی است مذاکرات و رأی گرفته میشده. تشخیص اینکه عده حاضر کافی برای این رأی هست یا این عده چند نفر است یا اکثریت چند رأی تشخیص منتخب را میدهد اینها همه با رئیس بوده است و در انتخابات سابق هم همینطور بوده است حالا بنده می بینم آقایان بن التفات میکنند. همه وقت قبل از اعلام از طرف مقدمه ریاست يك صحبت هائی در طرف کمیسیونها در مجلس میشد ولی بعد از اینکه هیئت رئیسه تشخیص میدادند و در مجلس اعلام میکردند رسمی بوده است و دیگر هیچکس بعد از اعلام هیئت رئیسه صحبت و تردیدی نمیکرد حالا اینجا حضور شد که بن تردید را پذیرفتند و مطرح قرار دادند بنده نمی بینم این جا يك اختلافی در عده هست که میگویند از هشتاد و سه نفر تا قریب به صد نفر بوده این مسئله مسلم است که عده که صورتی مجلس بر میدارند چند صورت دارند يك صورت هست که این جا توی مجلس

آقایان منشی‌ها حافظ آن هستند بکسورت هست که در بیرون حافظ دارد یعنی هر کس می‌آید مینویسند و هر کس نمی‌آید مینویسند هر کس از درپ عمارت وارد شد مجبوراً توی این اطاق نمی‌آید. يك عده هستند که چنانچه آقایان ملاحظه فرموده اند در مواقع مذاکره اینجا چند دقیقه مینشینند و اغلب بیرون توی اطاقها نشسته اند و صحبت میکنند پس صورتی که آنجا میگیرند مناط اعتبار نیست که آن صورت را مشخص عده حاضر در مجلس قرار بدهیم. صورتی که مشخص این کار است صورتی است که اینجا گرفته میشود. در خود مجلس آن صورت حفظ میشود از قرار معلوم در صورت اینجا اختلاف است رفع این اختلاف هم همیشه بطوریکه اول عرض کردم بارتیس هیئت رئیسه بوده است هیئت رئیسه تشخیص دادند و اعلان کردند و منتخبین را معرفی کردند و تمام شد حالا در صورتیکه اینطور نباشد و بخواهیم صحبت کنیم بنده تصور میکنم که اینجا يك شبهه اقل و اکثری است در شبهه اقل و اکثر مسلماً باید عده قطعی را گرفت عده قطعی هشتاد و هشت نفر بوده است این هشتاد و هشت نفر رأی دادند حالا در این مدت رأی دادن چه اندازه در مجلس حاضر شدند که ما بتوانیم اکثریت او را بگیریم مشتبه است اما آن عده هشتاد و هشت نفر مسلم است که حاضر بوده اند در مجلس و رفته اند رأی داده اند پس این عده مسلم را ما قبول نکنیم آنوقت عقب يك عده غیر معین بگردیم؟! گمان میکنم هیئت رئیسه هم روی همین قسمت این مسئله را تشخیص داده است در هر صورت علاوه بر همه اینها بنده تصور میکنم که این مسئله مسئله تشخیص موضوع است نه تفسیر نظامنامه تفسیر نظامنامه یا تفسیر ماده قانون اساسی نیست که مجبور باشیم در مجلس صحبتش را نکنیم اینها همان مسائلی است که همیشه در مجلس خصوصی در هیئت رئیسه در اطراف آن صحبت می شده یعنی راجع به تنظیمات و ترتیبات داخلی مجلس است اگر اختلافی بوده است به هیئت رئیسه رفع میکرده

است یا در مجلس خصوصی اصلاح حل میشده است والا مجلس را معطل کردن و حاضر کردن که يك جلسه یا دو جلسه خودش را صرف این کار بکنند بنده هیچ صلاح نمیدانم. این است که بنده معتقدم آقایان پیشنهاد آقای مدرس را تصدیق کنند یا بنده پیشنهاد میکنم این مسئله لاقبل در مجلس خصوصی تصفیه شود وقت مجلس علنی را برای این کار آنقدر معطل کردن صحیح نیست این مسئله مسئله تفسیر نیست. مسئله تشخیص است آقایان البته توجه دارند که يك اختلافی در عده حاضر شده اگر عده حاضر مسلم بود که اختلافی نبود. يك اختلافی در عده حاضر در داخل مجلس در امتداد موقعی رخ داده و این تشخیص به خود مجلس است. با خود و کلاء است. از مور داخلی مجلس است پس این مسئله تفسیر نیست که آقایان مجبور باشند در مجلس علنی این مطلب را عنوان کنند حالا در مجلس علنی این مطلب حل شود.

مدرس - این مسئله قابل تفکیک است باقی کمیسیونها را رسمیت بدهند و این موضوع اختلاف باشد تا بعد نسبت آن تصمیمی اتخاذ شود.

رئیس - عده فعلاً کافی نیست. چند دقیقه نفس دده می شود. در خارج هم راجع بین مسئله ممکن است مذاکره شود

( در اینموقع جلسه برای نفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید )

( ماده اول خبر کمیسیون بودجه راجع به بودجه بلدیة طهران بشرح ذیل قرائت شد )

ماده اول - وزارتنامه مجاز است از اول ۱۳۰۶ بودجه بلدیة طهران را از قرار ماهی ۳۹ هزار تومان کار سازی دارد. از مبلغ مزبور آنچه مربوط به عایدات مستغلات طهران است ( از صدی پنج عوائد مستغلات و کبیة عوائد مستغلات متعلقه بلدیة ) از همان محل و بقیه از عایدات مالیت را سهمی بلدیة تأدیبه خواهد شد

ماده دوم - وزارتنامه مکلف است عوائد صد پنج مستغلات ایلات و ولایات را از ابتدای ۱۳۰۷ علاوه بر عایدات فعلی بلدیة ها بلدیة های همان نقاط پرداخت نماید.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب.

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - آقای عراقی.

عراقی - موافقم.

رئیس - آقای حاج شیخ بیات.

حاج شیخ بیات - بنده اصولاً با اینکه مالیت صد پنج مستغلات تخصیص داده شود بلدیة ها مخالفت ندارم برای این که معتقدم پولی که در هر شهری گرفته میشود باید تخصیص داده شود بضراف خود آن بلد ولی اینجا بکوموضوعی است که مالیت متعلقه داریم راجع قسمت اجرائیات و جریاناتی که امروز در ملک ما معمول بوده و آن این است که اگر امروز شما يك بودجه يك وزارتخانه تخصیص دادید به صد تومان مثلاً علاوه گردید بر بودجه سابقش فوری آن وزیر به رئیس اداره يك بودجه منظمی برای آن خرج و جمع صد تومان درست میکنند و ما معتقدیم که باید يك انجمنهای قانونی تأسیس کرد که حقیقه دلسوز برای خود آن شهر باشد و مصالح هر شهری را نمایندگان خود آن شهر در نظر بگیرند و بموقع اجرا بگذارند. قبل از اینکه بلدیة های قانونی در شهر ها تأسیس شود ما هر مقدار پولی را تخصیص دهیم بلدیة ها يك بودجه منظمی رئیس بلدیة محل برای آن جمع فوراً درست میکنند و بعد در موقعی که شما يك بلدیة قانونی پیدا کنید اگر چنانچه يك جمع مهمی بجلوش نگذارید او نمیتواند آن جمع را بخارج مهم ملکتی بلدیة تخصیص بدهد فرس فرمائید در يك شهری يك بلدیة قانونی تأسیس شد در حالتیکه بودجه همان بودجه سابق است هر اصلاحی بخواهد بکنند غیر ممکن است بجهت اینکه

عملیات سابقه را نمیتواند تقض کند پنج مدرک پنج منشی یا چهار ثبات یا چهار پشت میز نشین رئیس بلدیة آن شهر درست کرده نسبت باین قسمت هیچ عملی نمیتواند بکنند یعنی رئیس انجمن بلدیة حرف انجمن بلدیة را گوش نمیدهد که آن مراتب را الغاء کند و آن پول را صرف مخارج مهم مفید برای آن شهر بکند این است که بنده عقیده مندم که باید این پول را تخصیص داد ولی همینکه بلدیة قانونی در فلان شهر تأسیس شد گفته شود که شما يك همچو عوائدی دارید و این تخصیص داده میشود باینکه شما صرف منافع آن شهر بکنید باین ترتیب طبعاً بلدیة قانونی موفق میشود باینکه در نتیجه يك همچو پولی يك کارهای اساسی برای شهر خودش بکند و يك استفاده های کاملی از نقطه نظر انجمنهای بلدی قانونی ممکن است ما ببریم ولی قبلاً اگر پول را دادیم بیک رؤسای بلدیة و محل خرج آن را معین کردند و دادند دیگر يك محل خرجی باقی نمیگذارند تا بعد بلدیة قانونی بخواهد برای مصالح آن شهر کارهایی بکنند. این است که بنده معتقدم و پیشنهاد خواهم کرد که باید اینها تخصیص داده شود بلدیة ها ولی بعد از اینکه بلدیة قانونی در هر شهری تأسیس شود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده از تشریف آوردن آقای حاج شیخ بیات وحشت کردم که شاید مخالفت خیلی شدیدی دارند ولی الحمد لله که نسبت بحوزه انتخابیه خودشان مخالفت شدیدی نکردند. عرض کنم حضور مبارک که مسلم است بنده هم کاملاً طرفدار این هستم که قانون بلدیة از مجلس بگذرد و دولت را هم با سرعت اوقات تشویق و تحریص کنیم که انتخاب انجمن بلدیة را بکنند ولی بینی و بین الله البته هیچوقت حقایق پنهان نمیشود بلدیة طهران بنده نمیگویم قانونی است و انجمن دارد لیکن بلدیة طهران يك بلدیة است حالا

نمیخواهم بگویم مثل بلدیہ ممالک متمدنه است ولی نسبت بمملکت ما که ایران باشد يك بلدیة است که یک قدمهایی خیلی خوب و رضایت بخشی برداشته است. بنده خودم گمان میکردم که عمال بلدیہ همیشه بطرف شمال شهر توجه دارند که آقایان اینجا داد و قال میکردند که شهر شمال است و جنوب نیست. بنده چند روز پیش گردش میکردم در خدمت آقای حاج میرزا محمد رضا در طرف جنوب شهر دیدم خیابانهای که آنجا احداث شده و چراغ برق و نظیفاتی که کرده اند فوق العاده رضایت بخش است. اساساً این مسئله که فرمودید باید انجمن بلدیہ تشکیل شود این دست خودمان است بمرکز عزیز و سر مبارک شما که بدست خودمان است. بنده فریب میزنم که آقایان تعقیب کنید کمیسیون داخله زودتر تشکیل شده برود و این قانون بلدیہ را تمام کنند. این دست خودمان است. دست دولت است. ما باید خودمان قانون را بگذرانیم و دولت اجرا کند. ما باید خودمان يك قانونی که نفع است بحال مملکت زودتر بگذرانیم. بنده فریاد میزنم لایحه خالصات انتقالی آمده است و مردم گرفتارند و لایحه اش از کمیسیون گذشته کمیسیون قوانین مالیہ و داخله را تمام کنیم که این لایحه و قانون بلدی بگذرد حالا بنده نمیدانم چه بدبختی است که نسبت بیک قوانینی يك سدهائی ایجاد میشود که این قوانین عام المنفعه در مملکت نگذرد. نظر باین مسئله که نمیشود حیات عمومی را معطل کرد تا اینکه ما رضایت بیائیم و قانون را طرح کنیم این مسئله را برای اینکه آقایان مستحضر شوند بنده ناچارم شرحش را عرض کنم. قبل از اینکه قانون نوزدهم بهمین در اینجا طرح شود و در اینجا قانون وضع شود بلدیہ طهران يك عوائدی داشته است. از جمله عوائد در زمانیکه سید ضیاء رئیس الوزراء بوده است برای بلدیہ يك عوائدی را تخصیص داده اند. ذابح را تخصیص داده بودند.

مستغلات را تخصیص داده بودند. يك قامهای ریزی را تخصیص داده بودند که بعد که قانون گذشت قرار داده شد که بودجه هر يك از شهرهای ایران هر عوائدی را که قبل از تصویب این قانون میگرفته اند پس از تصویب این قانون از محل عایدات راه این مخارج را بدهند در زمانیکه دکتر میلیسپو رئیس مالیہ بوده است بلدیہ دعوی میکرد است مطابق اسنادی که ارائه داده است که من ماهی چهل و دو هزار تومان عایدات داشته ام و دکتر میلیسپو نظرش این بوده است که عوائد مستغلات غلط بوده است جزو بلدیہ شده چرا؟ بعلمت اینکه این جزء عوائد عمومی است بعد تصالح کردن یعنی قرار دادند عجلتاً دکتر میلیسپو ماهی سی و نه هزار تومان بدهد بلدیہ و بعد وارد شوند در آن اقالام و این را صورت قانون بدهند تا مدتی سی و نه هزار تومان دادند ولی در چندی قبل در همین کابینه و دولت (که بواسطه این قدمهاش فوق العاده من موافقم و در مسئله اقتصاد صرفه جوئی يك قدمهایی جدی برداشته اند و بنده میتوانم بفرس قاطع خبر بشم) که امروز مالیہ ما خیلی خوب جمع آوری میشود و خیلی از مخارج زیادی را جلوگیری کرده اند. حالا بنده میگویم و بعد هم معلوم میشود خیلی بنده رضایت پیدا کردم برای خطر اینکه مته بخشش میگذارد و من چشم روشن است و خیلی خوشحالم (بلدیہ آمده تعقیب کرده حرف دکتر میلیسپو را که مستغلات باید در خزانه مملکتی جمع شود و بعد قانون بهمین ماهی چهل و دو هزار تومان ما بدهید بلدیہ نظر بظاهر قانون بهمین آمد آن چهل و دو هزار تومان را پیشنهاد کرد ما در کمیسیون بودجه (که بهر جائی متمسک میشویم که از خزانه مملکت کمتر صرف شود) يك بیاناتی گفتیم همان سی و نه هزار تومان را که دکتر میلیسپو برای شما قرار داده است مخارج کنید نمونده دولت هم آمد و در آنجا صحبت کرد و ما هم بهمین حرفها که صد و بیست هزار تومان فلانجا داده ایم

و رو بهمرفته بارهائی باز کردیم که ما ماهی پنجاه هزار تومان به بلدیہ داده ایم سالی شصدهزار تومان ولی حقیقت این است که ما اگر آن صد و بیست پنجهزار تومان را برایش مصرف قرار نداده بودیم و مقید بودیم در خود بلدیہ باشد دیگر محتاج نبودیم مستغلات را هم بدهیم اما بنا بر پیشنهاد آقای مدرس آن صد و بیست و پنجهزار تومان را محل خاص برایش قرار دادیم چهل هزار تومان برای خرید اراضی در خیابان چراغ برق و يك قدری هم برای آوردن آب که باید از کوه شه چشمه طرف طالقان بیاورند. نظر بین و نظر بصورت جمع و خرجی که آوردند در کمیسیون بودجه نشان دادند و نظر بعملیاتی که می بینیم اینها يك چیزی نیست که چشم بندی باشد. ما برای خطر اینکه این مسئله قانونی باشد و صورت قانون پیدا کند آمدیم قرار دادیم که ماهی سی و نه هزار تومان بلدیہ داده شود حالا در اینجا (يك مثلی هست قرین چشم بادامیت بروم گفت دم بداهه میخواستند) ما وکلای ولایت فوراً چسبیدیم گفتیم مستغلات ولایت هم باید جزو بلدیہ بشد یعنی و بین الله نماینده های مرکز که آقای آشتیانی و آقای بهبهانی بودند کل موافقت با ما کردند. این يك مسئله و مسئله دیگر که امیدوارم هیچوقت پیش نیاید طهران بدبخت ما است بنده اهل شیرازم. آقا اهل آذربایجان. آذربایجان هم مرکزش طهران است هر چه مرکز قوی و روشن و بزرگ باشد چشمان باز میشود ماهر چه برای مرکز میخواستیم همان را هم برای آذربایجان میخواستیم مرکز یکی است مرکز همه است. امامی -- نباید پول آنجا بیاورند اینجا خرج کنند آقا سید یعقوب -- امیدوارم آقای امامی هم آن تندی که در آذربایجان دارند در اینجا با مسامت با بنده راه بروند. اینجا مرکز خودمان است موافقت کنید و فردا هم امیدوارم از برای آذربایجان لایحه بیاید و همینطور بنده دفع کنم. برای فارس همینطور. تمام مملکت در نظر ما علی السویه است و باید منافع مرکز و ولایات کاملاً رعایت شود در اینجا هم ما زیادی نداده ایم. برای

ولایت هم کاری کرده ایم. بنده عقیده ام این است که خانم بدهیم.

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

رئیس -- این لایحه قبل از اینکه از طرف دولت مسترد شود دو شور درش شده بود حالا عملاً لایحه جدیدی تلقی میشود که دو شور بشود و يك شور؟

عده از نمایندگان -- يك شور

رئیس -- مخالفی ندارد؟

(گفته شد خیر)

رئیس -- آقای روحی پیشنهاد کردند مذاکرات کافی است.

حاج میرزا مرتضی -- کافی نیست بنده مخالفم

رئیس -- بفرمائید

حاج میرزا مرتضی -- اولاً این لایحه که دولت جدیداً آورده است لایحه ثانوی است و عین آن لایحه نیست و البته باید دو شور باشد و در اطراف او مذاکراتی چه بوده است اگر چنانچه باز باید بهمان ترتیب برای ایالات و ولایات از اول ۱۳۰۷ اختصاص بدهند وکلای ولایات ابتدا موافقت نخواهیم کرد.

عده از نمایندگان -- همه موافقتند.

حاج میرزا مرتضی -- هرکس مخالف است مخالفت کند عقیده بنده این است که آقایان اجازه بدهند ما هم عقاید خودمان را اظهار کنیم بعد آقایان مخالفت کنند

رئیس -- آقای روحی

روحی -- عرض کنم این لایحه در مرحله اول نیست که به مجلس آمده دو سه جلسه است که وقت مجلس را بخودش گرفته و فقط مسئله طهران است. طهران آقا عایدات مستغلات خودش است مال بنده و شما نیست. کرمان مربوط باینجا نیست. نزد مربوط باینجا نیست ما از سال نومیبریم. طهران امسال را قبلاً برده است و اینکه

دوات حاضر نیست برای این است که در محاسباتش اختلال پیدا میشود. سه ماه باختر سال است چطور میتوانید اقدامی بکنید؟ بنده خواهش میکنم آقایان موافقت کنند که رأی گرفته شود

رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد آقای میرزا عبدالله خان وثوق

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در ماده اول بعد از سی و نه هزار تومان اضافه شود بدون کسر

میرزا عبدالله خان وثوق - بنده منظورم از این پیشنهاد این است که چون مطابق قانون که سابقاً گذشته بود و يك وجهی ببلدیه میدادند يك مخارجي بعنوان وصول مالیات ها کسر میکردند که حالا اگر آقای مخبر یا وزیر مالیه توضیحات بدهند که این سی و نه هزار تومان بدون کسر ببلدیه پرداخته میشود نظریه بنده تا من خواهد شد و پیشنهاد خودم را مسترد میدارم.

مخبر - بیشتر اگر چیزی داده میشده ببلدیه قانونی برایش نگذشته بوده بودجه بلدیه طهران حالا قانون میشود و این بودجه اش است و اینکه معین شده سی و نه هزار تومان معنیش این است که سی و نه هزار تومان داده میشود.

میرزا عبدالله خان وثوق - بنده مسترد داشتم

رئیس - پیشنهاد آقای احتشامزاده

(بمضمون آتی قرائت شد)

پیشنهاد میکنم بجای مبلغ سی و نه هزار تومان مبلغ پیشنهادی در لایحه دوات که چهار و دو هزار تومان است نوشته شود.

آقا سید یعقوب - نظامنامه مظلوم شد. پیشنهاد خرج است

رئیس - پیشنهاد خرج نیست. تبدیل است

باسائی - بنده يك عرض نظامنامه دارم

رئیس - بفرمائید

باسائی - این راپورت کمیسیون بودجه دارای دو ماده است لایحه اولی دارای يك ماده است بنابر این شوردر کلیت و رأی مواد گرفته نشده پیشنهادات قرائت شد

رئیس - گفته شد شور دوم است در شور دوم کلیات ندارد. در آخرش کلیات دارد آقای احتشامزاده

احتشامزاده - بنده بعد از فرمایشاتی که نماینده

محترم آقای آقا سید یعقوب فرمودند راجع باینکه حق

اضافه خرج نداریم عرض میکنم ولی عرض میکنم همه

ماها و کیل تمام ملکات هستیم و راجع ببلدیه طهران تصور می

کنم هر يك از نمایندگان که پنج شش سال قبل در طهران

بوده اند اگر بخاطر بیآورند وضعیات چند سال قبل شهر

طهران را و وضعیات امروز را تصدیق خواهند فرمود

که شهر طهران بکلی عوض شده است و بنده معتقد

هستم باینکه مساعدت هم کرد ببلدیه برای اینکه بهتر بتوانند

يك بلدیه آبرومندی که شایسته باینخت است فراهم کند

که بحسب افتخار و سرفرازی تمام ملت ایران باشد.

حقیقه کسی که امروز رحمت اداره بلدیه را متکفل است

بنده لازم میدانم ز خدمات ایشان هم تقدیر کنم برای

اینکه وظیفه است که از هر مأمور وظیفه شناس و

خدمتگذاری تشویق کنیم. و اما پیشنهاد خودم که عرض

کردم بجای سی و نه هزار تومان چهار و دو هزار تومان

همانکه در لایحه دوات نوشته شده است تصویب شود

برای این است که آقایان در نظر ندارند از بودجه بلدیه

طهران چیزی کسر بگذارند. بلدیه طهران در سال ۱۳۰۴

ماهی چهار و پنجهزار تومان بودجه اش بوده و بعد

اخبار بحسب يك مذاکرات و قرارداد هائی قرار شد که بودجه

بلدیه طهران ماهی چهار و دو هزار تومان پرداخته شود

و مرتباً پرداخته میشده بنده از آقای مخبر کمیسیون

بودجه استفسار کردم علت اینکه در کمیسیون کسر کردند چه بوده است فرمودند که دولت هم قبول کرده است بعد که به آقای وزیر مالیه مراجعه کردم معلوم شد که ایشان قبول نکرده اند و این قضیه اسباب میشود که بلدیه طهران از حیث بودجه در خطر بیفتد و یکمقداری از بودجه بلدیه طهران کاسته میشود و چون قطع دارم که آقایان نمایندگان محترم این منظور را ندارند و نمیخواهند از بودجه فعلی بلدیه طهران کسر شود این است که بنده این پیشنهاد را کرده و تقاضا میکنم آقایان مساعدت بفرمایند که بلدیه طهران اگر چیزی بر بودجه اش اضافه نمیشود چیزی لا اقل کسر نشود

وزیر مالیه - در موقعی که این لایحه در کمیسیون

بودجه مطرح بود بنده متأسفانه بواسطه گرفتاری که

داشتم حاضر نشدم. اگر آقایان توجه بفرمایند...

آقا سید یعقوب - رئیس محاسبات که بود

وزیر مالیه - البته رئیس محاسبات در آنجا بود و

بنده نمیدانم با آن صورت جزئی که با این لایحه تقدیم

شده بود چه نظری در کمیسیون بوده است که عوائد بلدیه

را از عوائدی که در ۳۰۴ میگرفته کمتر نوشته اند

در ۳۰۴ مطابق این ریزی که بعرض رسیده است

بلدیه يك عوائدی داشته است که در مه معادله میکرده

است «چهل و دو هزار و خورده ولیکن شاید آقایان

اعضاء کمیسیون بودجه نظر شان بعمل سنه ۳۰۵

بوده است در ۳۰۵ مطابق يك توافق نظری که بین

بلدیه و وزارت مالیه شده بود روی مأخذ سی و نه هزار

تومان بودجه بلدیه پرداخته شد. حالا چطور شده که

این توافق نظر حاصل شده و در آنموقع چرا چهار و دو

هزار تومان راسی و نه هزار تومان کرده اند این شاید

بواسطه این بوده است که پرداخت و قبول پرداخت سی و نه

هزار تومان هم از طرف مالیه قبل از گذشتن يك قانون

تمام مجوزات قانونیش صحیح نبوده و علت اینکه آن قرار

داد را بنده بطور قطع مجری نکردم و تصویب آنرا از

مجلس خواستم همین است که هر عملی که در مالیه میشود باید تمام مقررات قانونیش درست باشد. از این لحاظ همچو در نظر گرفتند که مأخذ را همان سی و نه هزار تومان قرار دهند. محتاج بذکر نیست که مأخذ بودجه که بلدیه میگرفته همان چهل و دو هزار تومان بوده است. بلکه يك دعاوی بیشتری هم داشته اند. ولی چیزی که مسلم است همین چهل و دو هزار تومان است. البته يك مخارج زیادی دارد منتها باین مخارج را سوازنه داد و وسائل پرداخت را هم باید موجود کرد. زیادتر از این مبلغ وسائلش فراهم نیست ولی وسائل پرداخت این چهل و دو هزار تومان کاملاً موجود است حالا اگر نظر آقایان اعضاء کمیسیون بودجه همین است که بنده عرض کردم که هیچ و اگر نظری دیگری بوده است که بنده مسبوق نیستم چه عرض کنم عجلتاً تقاضای بنده این است که راجع باین بودجه يك نظر قطعی اتخاذ بفرمایند که باز دچار اشکال و زحمت نشویم و کسر نیاوریم.

مخبر - بلدیه مرکز بر طبق صورتی که در لایحه دولت هست بموجب این ارقام تا ۳۰۴ بلدیه این وجوه را میگرفته باین ترتیب: از ذبایح صد هزار و کسری. از مستغلات چهل و نه هزار تومان. از مالیات اصناف سیزده هزار تومان. از بواقیل و سوق الدواب سیصد و پنجاه و هشت هزار تومان. از حراج چهار هزار تومان. از نمایش فلانقدر جمع این اقلام بانصد هزار تومان میشود که ماهی چهل و دو هزار تومان میشود. این پولی بوده است که بلدیه تا سنه ۳۰۴ میگرفته آنچه که بموجب قانون میگرفته قسمت نواقش است اما مالیات مستغلات که بلدیه میگرفته حالا داریم قانون میگذرانیم که بلدیه ها اختصاص بدهند. مالیات اصناف طهران هم که سیزده هزار تومان بود ملغی شد و امسال چیزی راجع باین قسمت از هیچکس گرفته نشده. این مالیات هارا بلدیه از زمان کودتا می گرفته ولی مالیاتهای که حق داشته و قانونی بوده همین سی و دو هزار تومان بوده است و



لازم است عرض کنم که این چهل و دو هزار تومان که بلدیہ می گرفته بر حسب عادت و سابقه بوده نه بر حسب قانون. بعد که قانون مالیات راه وضع شد و مالیات ذبایح و غیره ملغی شد و مالیات اصناف هم در سنه ۳۰۶ ملغی شد. گرچه علی الظاهر الغاء مالیات اصناف نباید صدمه بعایدات و بودجه بلدیہ بزند معذک در نتیجه الغای این مالیات ها یک اختلالی در بودجه بلدیہ طهران پیدا شد و ضمناً یک اختلافی هم با مالیه پیدا کرده بود. بین معنی که پس از گذشتن قانون مالیات راهها بلدیہ میگفت ما چهل و دو هزار تومان می بردیم و حالا هم باید همان چهل و دو هزار تومان را از این مالیات راه بما بدهید. رئیس کل مالیه سابق میگفته شما آنچه که مطابق قانون میرده اید حق دارید ببرید این اختلاف همینطور بود بالاخره در ۳۵ توفیق نظر حاصل کردند که همان سی و نه هزار تومان که حق قانونی بلدیہ بوده بدهند و بر طبق کتبی و دو هزار تومان از بیت مالیات نوقل بدهند و عوائد مستغلات و اصناف را هم دو بدهند که مجموعاً سی و نه هزار تومان بشود. این ترتیب توفیق نظری بوده که بین بلدیہ با رئیس کل مالیه در سنه ۳۰۵ حاصل شده و در نتیجه این موافقت نظر مالیه هم مخرج و عوائد بلدیہ را کنترل میکرده و این قرار داد را معمول داشته اند حالا دولت این لایحه را آورده به مجلس و به کمیسیون و در کمیسیون هم مذاکرات شد که ما هر چه از مالیات راه بر بودجه بلدیہ طهران بیفزائیم سایر جاها صدمه میخورد. این است که عقیده مند شدیم که حقاً هر چه دو میرسد حالا هم باید داده شود. بالاخره پس از توفیق نظر این طور قائل شدیم که در همان حدود و مبلغیکه بلدیہ بودجه اش را در سنه ۳۰۵ تنظیم کرده حالا هم همان طور اداره کند و در اینصورت هیچ سکتی و صدمه بعایدات و کارهای بلدیہ وارد نخواهد آمد و چون بودجه ۳۰۵ سی و نه هزار تومان بود از اینجهت کمیسیون همان سی و نه هزار تومان را تصویب کرد. و از این مبلغ آنچه که صدینج مستغلات

میشود موضوع و بقیه اش از محل مالیات راه پرداخت میشود. ضمناً یک کمک های دیگری هم از خارج همانطور که آقای وزیر مالیه فرمودند میشود. بدیهی است که بلدیہ امروزه طهران احتیاجات زیاد دارد ولی هروقت یک اضافاتی از یک جا هائی پیدا شود البته یک کمک هائی باو خواهد شد چنانچه در چندی قبل صد و بیست و پنج هزار تومان در این مجلس به بلدیہ طهران اعتبار داده شد. غرض این است که کمیسیون بودجه تمام مسائل را در نظر گرفته و این لایحه را تقدیم مجلس کرده و این ترتیب که در نظر گرفته شده خیلی عادلانه است برای اینکه صدمه بعایدات و کار بلدیہ مرکز میزند و نه بجای دیگر صدمه میزند. خلاصه اینکه همان حقی را که داشته حلاً هم باو داده میشود. رئیس -- رأی میگیریم آقایانیکه پیشنهاد آقای احتشام زاده را تصویب میکنند قیام فرمایند...

احتشام زاده -- بنده مسترد میدارم

رئیس -- رأی گرفته میشود بماده اول. آقایانیکه ماده اول را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده زیدی قیام کردند)

رئیس -- تصویب شد. ماده دوم قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده دوم وزارت مالیه مکلف است عوائد صد پنج مستغلات ایالات و ولایات را از ابتدای ۱۳۰۷ علاوه بر عایدات فعلی بلدیہ ها به بلدیہ همان نقاط پرداخت نماید

رئیس -- آقای ضیاء

آقا سید ابراهیم ضیاء -- در ماده دوم گمان میکنم یک مصادمه داشته باشد. اگر تصور من صحیح است خوب است آقایان توجهی بفرمایند. همان طوریکه در ماده اول در بین الهالین ذکر شده که عایدات مستغلات (از صدی پنج عوائد مستغلات و کلیه عوائد مستغلات متعلقه به بلدیہ) حکمی است که بلدیہ ه علاوه بر این

عوائد يك مستغلاتی هم دارند که خود این مستغلات يك عوائد منظم و مرتبی دارد که هر روز هم علاوه میشود. در ماده اول ذکر شده و مخصوصاً در بین الهالین تصریح شده که این عوائد مستغلات هم مال بلدیہ است در ماده دو از ۳۰۷ برای بلدیہ های ولایات يك عوائدی منظور کرده اند ولی ذکر کرد پنج مستغلات متعلقه به بلدیہ ها نکرده اند از این لحاظ بنده يك پیشنهادی داده ام که در ضمن ماده دوم این معنی منظور شود. از آقای مخبر هم خواهش میکنم که اگر مقصودشان همین بوده و ماده دو يك افتادگی دارد آنرا اصلاح کنند شده هم مخالفتی ندارم و الا بمخالف خود باقی هستم.

مخبر -- همانطور که نماینده محترم فرمودند این موضوع خیلی واضح است زیرا عایدات مستغلات هر محلی متعلق به بلدیہ همان جا است و جزو عوائد بلدیہ همان محل محسوب است یکی از نمایندگان -- ولی مالیه نمیدهد.

مخبر -- و گمان میکنم این يك موضوع واضحی است در ابتداء هم نوشته شده بود ولی بعد اظهار شد لازم نیست زیرا توضیح واضح است

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

رئیس -- پیشنهاد آقای میرزا عبدالله خان وثوق

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم:

دوات مکلف است ماده که قانون بلدیہ از تصویب مجلس شورای ملی نگذشته و بموقع اجرا گذارده نشده است تشکیلات کلیه بلدیہ های ایالات و ولایات را در تحت تعلیمات بلدیہ طهران قرار بدهد:

(عضی از نمایندگان با هیاهو و همهمه -- چرا؟ برای چه؟ مگر وزارتخانه بلدیہ است؟!)

رئیس -- آقای میرزا عبدالله خان وثوق

میرزا عبدالله خان وثوق -- در اطراف پیشنهاد بنده هیاهوی زیاد شد. و گمان میکنم اینقدر هیاهو لازم داشته باشد. آقایان شاید مسبوق باشند که بلدیہ قسمتی

از ولایات فقط اسم است (از طرف نمایندگان با همهمه -- اینطور نیست) زیرا يك بلدیہ دارد با يك دفتر دارد البته آقایان تصدیق خواهند فرمود که هرگاه يك قانونی باشد

جمعی از نمایندگان با هیاهو -- قانون هست -- پس گرفتند پس گرفتند.

(صدای زنگ رئیس)

میرزا عبدالله خان وثوق -- مسترد میدارم.

رئیس -- پیشنهاد آقای ضیاء

(بین عبارات خوانده شد)

پیشنهاد میشود که تبصره ماده واحد راجع باختصاص عوائد مستغلات به بلدیہ بطریق ذیل اصلاح گردد.

ماده ۲ -- وزارت مالیه مکلف است مالیات صد پنج مستغلات را از ابتدای ۳۰۷ علاوه بر عوائد مستغلات متعلقه به بلدیہ ها و عایدات محلی بلدیہ ها به بلدیہ های همان نقاط پرداخت نمایند.

مخبر -- بنده قبول میکنم

رئیس -- پیشنهاد آقای محمود رضا

(بمضمون آتی قرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده دو بر ترتیب ذیل اصلاح شود

ماده ۲ -- وزارت مالیه مکلف است عوائد صد پنج مستغلات ایالات و ولایات و قصبات را الی آخر

رئیس -- آقای محمود رضا

محمود رضا -- بنده يك اصلاحی خواستم بکنم که نسبت بشهرها و قصبات باشد.

مخبر -- چندین پیشنهاد در این زمینه شده. اصل موضوع این است که قصبات هم علاوه شود وقتیکه مراجعه شد بقانون مستغلات چون قانون مستغلات قصبات مهمتر است شامل میشود از اینجهت اضافه شدن قصبات مهمه را بنده از

طرف کمیسیون قبول میکنم. ضمناً عرض می کنم که ایالات و ولایات هم باید تبدیل شود به شهرها. و باین ترتیب

نوشته شود: (شهرها و قصبات عمده)

رئیس -- رای می گیریم به پیشنهاد آقای محمود رضا .  
یکی از نمایندگان -- مخبر قبول کردند .

رئیس -- يك قسمتش را قبول کردند .

محمود رضا -- خوب . بنده با آن يك قسمت دیگرش موافقت می کنم

(همهمه از طرف نمایندگان)

رئیس -- بنده گمان نمی کنم به این ترتیب بشود مجلس را اداره کرد . بنده برای يك مشغلی این جا هستم . باید بگذارید آقایان حرف خودشان را بزنند (خطاب به آقای ضلوع) قانع شدید آقای

ضلوع -- بلی آقای

رئیس -- پیشنهاد آقای باسائی .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم با آخر ماده دوم اضافه شود: و نیز عواید مستغلات متعلقه ببلدیه های هر محلی مخصوص ببلدیه های همان محل خواهد بود .

مخبر -- این ماده که قبول شد نظریه آقای باسائی را هم تأمین کرد .

رئیس -- مقصود آقای حاج میرزا مرتضی هم همین است پیشنهاد جنابعالی هم عین پیشنهاد آقای ضیاء است حاج میرزا مرتضی -- بنده از اول آذر ماه پیشنهاد کرده ام .

عده از نمایندگان -- موقع گذشته

رئیس -- پیشنهاد آقای حاج میرزا مرتضی

(بشرح آتی قرائت شد)

پیشنهاد میکنم از اول آذر ماه ۳۰۶ عایدات مستغلات ولایات و ایالات اختصاص به بلدیه های خود آنها داشته باشد .

رئیس -- آقای حاج میرزا مرتضی

حاج میرزا مرتضی -- بنده خیلی تعجب میکنم از بعضی آقایان نمایندگان ولایات و ایالات که منظره رقت بار بلدیه های محلشان را خیلی زود از نظر محو فرموده اند . و بعدز اینکه وزارت مالیه نمی تواند این مبلغی را که گرفته دو باره بحساب بر گرداند معتقد شده اند که از اول ۱۳۰۷ عواید بلدیه های ایالات و ولایات بخودشان اختصاص داده شود در صورتیکه با این دو اثر عریض و طویل که در وزارت مالیه هست بر گرداندن و بحساب آوردن وجوه مستغلات هیچ اهمیتی ندارد تا کمال سهولت ممکن است که این پول را برگردانند حالا بنده هم از این قسمت صرف نظر میکنم ولی استدعا دارم آقایان مساعدت فرمایند که اقلاً این سه ماه آخر سال که هنوز عواید مستغلات ولایات و ایالات جزء حساب نیامده و هیچ اشکالی هم ندارد بخودشان بدهند اگر میفرمایند از بودجه که میباید ممکن است از این وجوهی که ما غالباً پنجاه هزار تومان و بیست هزار تومان برای هر کاری تصویب میکنیم از این وجوه برگردانند و جبران کنند و عواید مستغلات بلدیه های ایالات و ولایات را صرف محل خودشان بکنند که در آن نقاط هم اقلاً رفع کشفات و خرابیها بشود

آقا سید یعقوب -- پیشنهاد خرج است .

یکی از نمایندگان -- خیر پیشنهاد خرج نیست

آقا سید یعقوب -- اگر آقای رئیس بفرمایند که پیشنهاد خرج نیست بنده قبول دارم . ولی این پیشنهاد خرج است . یا اینکه بفرمایند بنده نفهمیده ام

رئیس -- پیشنهاد خرج هست ولی مجلس نباید رأی بدهد بنده که نباید بگویم .

حاج میرزا مرتضی -- اگر پیشنهاد خرج است بنده مسترد میدارم .

رئیس -- پیشنهاد آقای باسائی .

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده دوم بنحو ذیل صلاح شود:

وزارت مالیه مکلف است عواید صد پنج مستغلات شهرها و قصبات مهمه را از ابتدای ۳۰۷ الی آخر رئیس -- آقای مخبر این را قبول کردند . آقای افشار

افشار -- بنده با این پیشنهاد آقای باسائی مخالفم .

رئیس -- آقای مخبر قبول کردند . آقای دولتشاهی هم

عین همین پیشنهاد را کرده بودند . پیشنهاد آقای بامداد (بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده دوم بعد از کلمه ولایات قصبات هم علاوه شود .

بامداد -- نظر بنده تأمین شده دیگر محتاج نیست .

باسائی -- ماده دوم را بفرمائید بخوانند .

بنی سلیمان -- این پیشنهادی است که آقای ضیاء داده اند .

(بشرح ذیل قرائت گردید)

ماده دوم -- وزارت مالیه مکلف است مالیات صدی پنج مستغلات ایالات و ولایات را از ابتدای ۳۰۷ علاوه بر عواید مستغلات متعلقه به بلدیه ها و عایدات فعلی بلدیه ها به بلدیه های همان نقاط پرداخت نماید اصلاحی هم که آقای باسائی کردند این است:

(بمضمون ذیل قرائت شد)

وزارت مالیه مکلف است عواید صد پنج مستغلات شهرها و قصبات مهمه را از ابتدای ۳۰۷ الا آخر

وزیر مالیه -- لازم است عرض کنم توافق نظر بین همه آقایان حاصل شده است بر اینکه عوض ایالات و ولایات شهرها و قصبات نوشته شود ما هم موافقیم ولی يك اختلاف جزئی هست . بعضی از آقایان تصور میکنند تشخیص اینکه يك قصبه مهم است یا مهم نیست باید دوایر بدهند در صورتیکه این طور نیست اگر وقت فرموده باشند مقصود این است که قصبه مهم آن قصبه ایست که قانون مستغلات در آنجا اجرا میشود یعنی يك قصبه که هم بلدیه داشته باشد و هم مستغلات از آنجا گرفته شود . و در حقیقت این

اصطلاحی که در اینجا تکرار میشود اصطلاحی است مأخوذ از قانون مستغلات . و مفهومش این است که در هر قصبه که قانون مستغلات اجرا شده و عواید مستغلات از آنجا گرفته میشود و باید داده شود به بلدیه و در تشخیص هیچ اشکالی نیست

رئیس -- ماده دوم قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

وزارت مالیه مکلف است مالیات صدی پنج مستغلات شهرها و قصبات مهمه را از ابتدای ۱۳۰۷ علاوه بر عواید مستغلات متعلقه به بلدیه ها و عایدات فعلی بلدیه ها به بلدیه های همان نقاط پرداخت نماید .

رئیس -- رأی گرفته میشود به ماده دوم به ترتیبی

که قرائت شد . آقایان موافقین قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد مذاکرات راجع بکلیات است

آقای شریعت زاده

شریعت زاده -- عرض بنده خیلی مختصر است و چون يك موقعی است که میخواهم يك مطلبی را بعنوان تذکر عرض کنم موقع ر مغتتم بمشاوره و خاطر نشان میکنم اگر چه اداره بلدیه طهران در نتیجه خدماتی که کرده است شهر طهران را به ترتیبی که برایش مقدور بوده تنظیم کرده و این مسئله قابل تقدیر است . ولی در عین حال میخواهم عرض کنم که مؤسسه بلدیه در هر شهری برای رفع احتیاجات بلدی همان شهر است از این نقطه نظر باید توسط نمایندگان یعنی انجمنهای قانونی اداره شود و خواستیم در اینجا از موقع استفاده کنیم و اهمیت این موضوع را بعرض مجلس شورای ملی برسانیم و تقاضا کنیم که قانون بلدی که مورد بحث است هر چه زودتر تصویب شود که در تمام ایران و شهرها مطابق آن قانون انجمن های بلدی اداره شود و هیچ احتیاجی نداشته باشیم که در غیاب انجمنهای قانونی يك اداراتی وظایف آنها را انجام بدهند و بنده این تقاضا را مخصوصاً

## قانون

اعتبار بلديه طهران و واگذاري عوائد مستغلات بلديه ها

مصوب ۳۰ آبان ماه ۱۳۰۶ شمسی

ماده اول - وزارت ماليه مجز است از اول سنه ۱۳۰۶ بودجه بلديه طهران را از قرر ماهی ۳۹ هزار تومان کار سازی دارد. از مبلغ مزبور آنچه مربوط به عایدات مستغلات طهران است ( از صدی پنج عوائد مستغلات و کلیه عوائد مستغلات متعلقه به بلديه ) از همان محل و بقیه از عایدات مالیات راه سهمی بلديه تأديه خواهد شد.

ماده دوم - وزارت ماليه مکلف است مالیات صدی پنج مستغلات شهر ها و قصبات مهمه را از ابتدای ۱۳۰۷ علاوه بر عوائد مستغلات متعلقه به بلديه ها و عایدات فعلی بلديه ها به بلديه های همان نقاط پرداخت نماید.  
این قانون که مشتمل بر دو ماده است در جلسه سی ام آبان ماه يك هزار و سیصد و شش شمسی تصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی حسین پیرای

از مقام ریاست میکم و از آقایان هم نمنا میکم که توجه بفرمایند که قانون بلدي در هفته آتیه تصویب شود جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - رأی گرفته میشود به این قانون که مشتمل بر دو ماده است آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند ( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد

روحی - این مسئله راجع بخرج است و باید باورقه رأی گرفته شود

رئیس - وقتی که لایحه پیشنهاد شد این جا گفته شد که لایحه خرج نیست و الا يك شوری بود موضوع کمیسیونها بنام در مجلس خصوصی حل شود راجع بدستور جلسه آتیه هم اگر تصویب میفرمائید از این قرار باشد اولاً لایحه راجع به دو دوازدهم ثانیاً بر حسب تقاضای اداره مباشرت لایحه تفریح بودجه ۱۳۰۴ بعد بودجه مملکتی

جمعی از نمایندگان - صحیح است

( مجلس یکساعت و ربع بعد از ظهر ختم شد )

www.iran-archival.com